یادداشت روز

پروژه تخریب شخصیت‌های مؤثر در انتخابات

انتخابات و «فضای آرام» نسبت دوجانبه‌ای با یکدیگر دارند به این معنا که برگزاری انتخابات به فضای آرام نیاز دارد و فضای آرام زائیده انتخابات است. به همین جهت در جمهوری اسلامی و در بعضی دیگر از کشورها، فعالیت تبلیغاتی ۲۴ ساعت پیش از برگزاری انتخابات متوقف می‌شود تا انتخابات در فضائی کاملاً آرام شکل بگیرد. از آن طرف در منظر جهانی برگزاری آرام انتخابات نشانه آرامش جامعه و عادی بودن شرایط سیاسی یک کشور می‌باشد و اصولاً نهاد برآمده از انتخابات و نیروهای جدیدی که وارد عرصه شده‌اند، یک انرژی و فرصت جدید برای رفع مشکلات و حرکت به جلو ارزیابی می‌گردد و این نوعی انتظار آرامش‌بخش را در جامعه پدید می‌آورد.

در این میان خط مخالفان نظام سیاسی و دشمنان این است که مانع زوجیت فضای آرام و انتخابات شوند. در طول حدود ۳۰ سال گذشته این تئوری در نهادهای امنیتی آمریکا شکل گرفت که انتخابات می‌تواند با «آشوب» هم زوجیت داشته باشد و لزوماً فرصت برای کشور برگزارکننده نباشد. بر این اساس «خط آشوب» به عنوان یک راهبرد اساسی در مقابله با دولت‌ها به کار گرفته شد و به تغییر نظام‌هایی هم منجر گردید. یعنی انتخابات که در ذات خود آرامش‌دهنده است، به برهم‌زننده تبدیل شد. به‌قول شاعر؛ از قضا سرکه انگبین صفرا فزود/ روغن بادام خشکی می‌نمود.

اما خط آشوب همیشه به‌صورت آنچه در انتخابات‌های اوکراین، گرجستان، قرقیزستان و... رخ داد بروز و ظهور پیدا نمی‌کند. مثلاً چنین روشی نمی‌تواند در ایران به پیروزی برسد، کمااینکه در سال ۱۳۸۸ امتحان شد و جواب نداد طبعاً از آنجا که آزموده را آزمودن خطاست، روش قبلی در مواجهه با ایران کنار گذاشته شده اما به آن معنا نیست که دشمن از اصل ایجاد خط آشوب منصرف گردیده و انتخابات ایران را به حال خود رها کرده است. چنین تصوری بسیار ساده‌لوحانه است و ساحت مخاطبان هم مبرا از آن می‌باشد.

خط آشوب در شرایط فعلی در دو شکل قابل تصور است؛ یکی آشوبناک کردن صحنه به شکلی که رأی دادن برای مخاطب بی‌فایده دیده شود و دیگری ایجاد بدبینی نسبت به جریانات و یا شخصیت‌هایی که در نظر مردم کارآمده دیده می‌شوند. تلاش دشمن مبنی بر بی‌فایده نشان دادن رأی دادن، موضوع شناخته‌شده‌ای است؛ مثلاً آمریکایی‌ها در حالی که هیچ‌گاه توضیح نداده‌اند تأثیر رأی دادن در انتخابات آمریکا بر بهبود وضعیت مردم آن کشور چیست، نزدیک به ۱۵۰ سال است انتخابات پارلمان را در زمان مقرر برگزار می‌کنند و همه آمریکایی‌ها می‌دانند که یک نماینده مجلس یا جمعی از نمایندگان مجلس یا در اکثر موارد همه اعضای مجلس نمایندگان و حتی کنگره، در مقایسه با تأثیرات دولت، تأثیر زیادی بر زندگی مردم آمریکا نمی‌گذارد، اما مقامات آمریکایی هیچ‌گاه پرسش از اینکه رأی به یک نماینده و حضور یک یا چند نماینده در پارلمان چه اثری در سرنوشت مردم آمریکا دارد، روا ندانسته‌اند و اصولاً به دلیل اینکه رسانه‌های این کشور نوعاً از سوی مجامع خاص مالی مدیریت می‌شوند، سؤالاتی از این دست اجازه طرح نمی‌یابند. اما همین شخصیت‌ها و همین رسانه‌ها طرح چنین سؤالی درباره مجلس ایران را درست می‌خوانند و این در حالی است که در سیستم حکومتی آمریکا رئیس‌جمهور می‌تواند قوانین مجلس را وتو کند، اما در ایران، رئیس‌جمهور نه‌تنها چنین اختیاری ندارد، بلکه اگر در اجرای مصوبه مجلس کمی تأخیر کند توسط نمایندگان مورد بازخواست قرار می‌گیرد. علاوه‌بر آن دایره اختیارات مجلس ایران در امور مالی، سیاست خارجی، امور فرهنگی، اجتماعی و امنیتی آن‌قدر زیاد است که بسیاری از حقوقدان‌ها معتقدند پارلمان ایران یکی از چند پارلمان قدرتمند دنیا می‌باشد.

این مجلس البته در اجرا وضعیتی متفاوت با قوه مجریه پیدا می‌کند، چرا که اصولاً با توجه به اصل تفکیک قوا، ایجاد ساختارها، بودجه‌ریزی‌ها و اجرای برنامه، مصوبات و قوانین برعهده قوه مجریه است اما مجلس در تنظیم و هدایت امور به نفع مردم نقش اساسی دارد و می‌تواند با تصویب‌ها و عدم تصویب‌ها به حرکت دولت جهت بدهد و با نظارت خود، کاستی‌ها در روند اجرای برنامه‌ها و... را جبران نماید.

حرف این است که چرا در حالی که در عمل نقش مجلس شورای اسلامی - در نظام سیاسی ایران - از نقش کنگره آمریکا - در نظام سیاسی آمریکا - پررنگ‌تر است، رأی دادن در یک جا به نفع رفع مشکلات مردم معرفی می‌شود و در جای دیگر در نقطه مقابل منافع و رفع مشکلات مردم خوانده می‌شود!؟ البته دلیل آن روشن است؛ مشکلات مردم در ایران نباید حل شود و دستی از متن آنان نباید برای رفع مشکلات بلند شود. در اینجا چون انتخابات می‌تواند انرژی تازه‌ای وارد سیستم کند و راهی برای حل مشکل نشان دهد، باید تحریم شود، تا بلکه انباشت مشکلات به کلیدی در دست توطئه‌گران آمریکایی برای ضربه زدن به ایران تبدیل گردد.

یک جنبه دیگر از آشوبناک کردن صحنه، سلب اعتماد از افراد و یا نهادهایی است که مردم آنان را کارآمد دانسته و به آنان امید بسته‌اند. میدان جنگ را در نظر بگیریم، یکی از مهم‌ترین راهبردهای دشمن، فاقد توانایی و صلاحیت نشان دادن فرماندهان میدان طرف مقابل است. اگر دشمن بتواند باور نیروهای نظامی نسبت به فرمانده خود را متزلزل کند، با هزینه بسیار کم می‌تواند صحنه را به نفع خود رقم بزند. در صحنه سیاسی هم همین‌طور است.

در جامعه افرادی شناخته شده وجود دارند که مردم آنان را تجربه کرده و به توانایی‌ها و صلاحیت‌های آنان در بهبود شرایط کشور باور دارند. وقتی این افراد وارد صحنه انتخابات می‌شوند، مردم با اعتماد به توانمندی‌ها و صلاحیت‌های این افراد، به کسان کمتر شناخته شده قرار گرفته در یک لیست هم رأی می‌دهند و خیالشان آسوده است که «این مجموعه» می‌تواند در بهبود شرایط آنان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. حالا اگر دشمن بخواهد این نقطه قوت را از کشور بگیرد، باید چه کار کند؟ غیر از اینکه افراد شاخص خدوم که به لحاظ ده‌ها سال ایفای درست مسئولیت‌های مختلف، مورد اعتماد مردم بوده‌اند را زیر فشار تبلیغاتی گرفته و بدنام نمایند راه دیگری وجود دارد؟

اگر دشمن بتواند توده‌های مردم را در خصوص چهره‌های شناخته شده به تردید بکشاند، به طریق اولی جایی برای اعتماد مردم به افراد کمتر شناخته شده و جوان باقی نمی‌ماند. بنابراین حاصل چنین وضعیتی رویگردانی مردم از یک فرد یا یک لیست نیست، رویگردانی از اصل شرکت در انتخابات است. این نتیجه قطعی و طبیعی آشوبناک کردن صحنه با انگ زدن به شخصیت‌های مؤثر است. آیا بارها تجربه نکرده‌ایم که در آستانه هر انتخابات، دایره اتهام‌پراکنی، پرونده‌سازی و افشاگری علیه چهره‌های مؤثر در انتخابات فزونی می‌گیرد و رسانه‌های مختلف خارجی و داخلی به تنور این شراره‌پراکنی‌ها تبدیل می‌شوند و به همدیگر پاس گل می‌دهند؟

اینکه مثلاً شبکه بی‌بی‌سی به همراه یک جریان سیاسی و به اضافه چند نشریه و سایت که عنوان ظاهری انقلابی‌گری و تدین را هم یدک می‌کشند، در آستانه انتخاباتی که مشارکت پرشمار مردم در آن در کانون توجه نظام قرار دارد، شروع به تولید ابهام و سؤال و پرونده‌سازی راجع به اشخاصی که خروجی دلسرد شدن مردم از آنها در انتخابات، کاهش مشارکت است، عادی نیست. قطعاً در اینجا بحث رقابت انتخاباتی و اختلافات سیاسی مطرح نیست. چرا که کارکرد و خروجی رقابت سیاسی در زمین نظام باید افزایش مشارکت باشد. آن رقابت سیاسی که خروجی آن کاهش مشارکت باشد، بازی در زمین نظام نیست.

در اینجا ممکن است بگوییم افرادی هستند که به دلیل فقدان بصیرت سیاسی و علایق شخصی، دچار انحراف و افراط شده و کارکردی مشارکت‌ستیز پیدا می‌کنند و حد مسئله همین است. اما وقتی این آشوبناک کردن صحنه انتخابات در آستانه برگزاری، از سوی افرادی دنبال می‌شود که چهره‌هایی شناخته شده‌اند و در صحنه‌های سیاسی مختلف حضور داشته‌اند، صورت می‌گیرد، موضوع متفاوت می‌شود. اینجا باید لزوماً نفوذی اتفاق افتاده باشد.

نفوذی‌ها در نظام جمهوری اسلامی وقتی بخواهند روی صحنه و رودرروی مردم ایفای نقش کنند، لزوماً باید وجهه‌ای مذهبی و انقلابی داشته باشند. وجهه مذهبی و انقلابی در اینجا از طریق برخوردهای هرچه تندتر با پدیده‌های سیاسی به‌دست می‌آید. تندهایی که بر عطش دانستن مخاطب سوار می‌شوند و با بی‌پروایی هر عنوانی را بر فردی که با تخریب او درصدد اثبات خود هستند، می‌دهند و عده‌ای هم دنبال او راه می‌افتند. نفوذ در اینجا نسبت به نفوذ از نوع امنیتی آن پیچیده‌تر و قدرت تخریب آن بیشتر خواهد بود.

اگر رد نفوذی‌هایی که در آستانه انتخابات، مشغول آشوبناک کردن صحنه از طریق سلب اعتماد از افراد مؤثر اجتماعی و در نهایت «انجام مأموریت» کاهش مشارکت مردم ایران در انتخابات هستند، پی بگیریم، بدون استثنا به افرادی می‌رسیم که علی‌رغم ظاهر فریبنده، هیچ اعتقادی به گفتمان مذهبی انقلابی ندارند، دریده‌گو و در بیان نظر راجع به افراد بی‌پروا هستند، از نظر مالی به‌شدت آلوده‌اند و سر در ده‌ها آخور و رانت دارند، با هر فرد و جریانی که در مقابل منویات نظام - در اینجا افزایش مشارکت - قرار داشته باشد، ائتلاف می‌کنند، نسبت به روحانیت و نهادهای انقلابی اعتقادی ندارند، هر چند با تدلیس در طول سال‌ها از منابع آنها به صورت مالی یا معنوی ارتزاق کرده‌اند. این نیروهای «پروژه‌بگیر» در آستانه هر تحول بزرگ جامعه انقلابی ایران، به پروژه‌های دشمنان خارجی وصل می‌شوند و به خط تخریب می‌پیوندند. باید از اینها برحذر بود و برحذر داشت.

سعدالله زارعی

ادعای نیویورک تایمز:

اسرائیل پشت حملات ناکام به خطوط لوله گاز در ایران بوده است

سرویس سیاسی -

نیویورک تایمز در گزارشی ضمن اعتراف به عاملیت رژیم صهیونیستی در خرابکاری انفجار خط لوله انتقال گاز به تشریح جنگ پنهان بین ایران و این رژیم پرداخت.

روزنامه نیویورک تایمز آمریکا در گزارشی از اریک اشمیت خبرنگار امنیت ملی تایمز، رونن برگمن نویسنده نیویورک تایمز، مستقر در تل‌آویو، جولیان ای. بارنز خبرنگار حوزه آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده و مسائل امنیتی بین‌المللی و نویسنده‌ای دیگر در روز ۱۶ فوریه ۲۰۲۴ به انفجار تروریستی اخیر خط لوله سراسری انتقال گاز در بروجن پرداخته و عنوان می‌دارد: به گفته دو مقام غربی و یک استراتژیست نظامی وابسته به سپاه پاسداران ایران، اسرائیل در این هفته حملات مخفیانه‌ای را به دو خط لوله اصلی گاز طبیعی در داخل ایران انجام داد و جریان گرما و گاز پخت و پز را به استان‌های دارای میلیون‌ها نفر مختل کرد.

نیویورک تایمز افزود: این خرابکاری که به گفته تحلیلگران، تشدید جنگ در سایه بین اسرائیل و ایران بود، باعث ایجاد اختلال گسترده در چندین استان ایران شد.

در ادامه این گزارش آمده است: این حملات نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی در جنگ سایه‌ای است که اسرائیل و ایران سال‌ها از طریق هوا، زمین، دریا و حملات سایبری به راه انداخته‌اند.

تایمز همچنین عنوان داشت: اسرائیل مدت‌هاست که سایت‌های نظامی و هسته‌ای در داخل ایران را هدف قرار داده و دانشمندان و فرماندهان هسته‌ای ایرانی را چه در داخل و چه در خارج از کشور ترور کرده است. اسرائیل همچنین حملات سایبری را برای از کار انداختن سرورهای متعلق به وزارت نفت انجام داده است که باعث آشفتگی در پمپ‌بنزین‌ها در سراسر کشور شده است. این روزنامه آمریکایی خاطرنشان کرد:اما به گفته مقامات و تحلیلگران، انفجار بخشی از زیرساخت‌های انرژی کشور که صنایع، کارخانه‌ها و میلیون‌ها غیرنظامی به آن متکی هستند، تشدید جنگ مخفیانه را نشان داد و به نظر می‌رسد که مرز جدیدی را باز می‌کند.

نیویورک تایمز می‌افزاید: جواد اوجی وزیر نفت ایران روز جمعه در گفت‌وگو با رسانه‌های ایران گفت: نقشه دشمن این بود که در فصل زمستان جریان گاز را به چند شهر و استان اصلی کشورمان مختل کند. آقای اوجی که قبلاً از این انفجارها به عنوان «حملات خرابکارانه و تروریستی» یاد کرده بود، علناً اسرائیل یا هر عامل دیگری را مقصر دانست. اما او گفت که هدف از این حمله آسیب رساندن به زیرساخت‌های انرژی ایران و برانگیختن نارضایتی داخلی بوده است.

تایمز همچنین عنوان داشت: دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از اظهار نظر در این باره خودداری کرد.

این رسانه آمریکایی همچنین اظهار داشت: مقامات غربی و استراتژیست نظامی ایران گفتند که حملات اسرائیل به خط لوله گاز مستلزم شناخت عمیق زیرساخت‌های ایران و هماهنگی دقیق است، به‌ویژه که دو خط لوله همزمان در چندین نقطه مورد اصابت قرار گرفتند.

تایمز با طرح تهدیدی واهی و مضحک عنوان می‌دارد: یکی از مقامات غربی آن را یک حمله نمادین بزرگ خواند که تعمیر آن برای ایران نسبتاً آسان بود و آسیب نسبتا کمی به غیرنظامیان وارد کرد. اما به گفته این مقام، با گسترش درگیری در سراسر خاورمیانه و افزایش تنش‌ها بین ایران و دشمنانش، به ویژه اسرائیل و ایالات متحده، هشدار جدی درباره آسیب‌هایی که اسرائیل می‌تواند وارد کند، ارسال کرد.

این روزنامه همچنین مدعی شد: مقامات غربی گفتند که اسرائیل همچنین روز پنج‌شنبه یک انفجار جداگانه در داخل یک کارخانه مواد شیمیایی در حومه تهران ایجاد کرد که یک محله را لرزاند و دود و آتش ایجاد کرد. اما مقامات محلی گفتند که انفجار کارخانه که روز پنج‌شنبه رخ داد، ناشی از تصادف در مخزن سوخت کارخانه بود.

نیویورک تایمز تصریح کرد: ایران گفته است که خواهان جنگ مستقیم با آمریکا نیست و دست داشتن در حملات تروریستی ۷ اکتبر علیه اسرائیل و یا حملات مختلف علیه اهداف آمریکایی و اسرائیلی در منطقه از آن زمان تاکنون را رد کرده است. اما ایران از شبکه‌ای از شبه نظامیان نیابتی که به طور فعال با اسرائیل و ایالات متحده می‌جنگند، از جمله حوثی‌ها در یمن، حزب‌الله لبنان و شبه نظامیان در عراق و سوریه، حمایت و تسلیح می‌کند. ایران همچنین حماس و دیگر مبارزان فلسطینی را مسلح و آموزش داده است.

در ادامه این گزارش اشاره شد: حملات و ضدحملات در سراسر منطقه در ماه‌های اخیر تشدید شده است. اسرائیل دو فرمانده ارشد ایرانی را در سوریه کشته است(شهید کرده است)، در حالی که ایالات متحده پایگاه‌های نظامی مرتبط با سپاه پاسداران و نیروهای نیابتی آن در عراق و سوریه را پس از کشته شدن سه سرباز آمریکایی در حمله پهپادی مورد حمله قرار داده است. ایران همچنین در ماه ژانویه یکی از بزرگ‌ترین حملات تروریستی تاریخ خود را متحمل شد، زمانی که بمب‌گذاران انتحاری حدود ۱۰۰ نفر را در کرمان طی مراسمی برای سردار قاسم سلیمانی که چهار سال پیش توسط ایالات متحده کشته شد، کشتند. داعش مسئولیت این حمله انتحاری را بر عهده گرفت.

این روزنامه چاپ نیویورک می‌افزاید: اکنون مقامات غربی می‌گویند که اسرائیل با انفجارهای پشت سر هم به داخل مرزهای ایران حمله کرده است که ایرانیان را ناراحت کرده است.

تایمز با نقل قولی از یک تحلیلگر امنیتی مستقر در رم با تمرکز بر خاورمیانه گفت: «این نشان می‌دهد که شبکه‌های مخفی فعال در ایران فهرست اهداف خود را گسترش داده‌اند و فراتر از سایت‌های نظامی و هسته‌ای پیشرفت کرده‌اند». این یک چالش و ضربه بزرگ برای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران است.»

نیویورک تایمز با اذعان به شکست این طرح رذیلانه سرویس‌های تروریستی اطلاعاتی غربی و صهیونیستی عنوان می‌دارد: این خرابکاری روز چهارشنبه چندین نقطه در امتداد دو خط لوله اصلی گاز در استان‌های فارس و چهار محال بختیاری را هدف قرار داد. اما به گفته مقامات ایرانی و گزارش رسانه‌های محلی، اختلال در خدمات رسانی به منازل مسکونی، ساختمان‌های دولتی و کارخانه‌های بزرگ در حداقل پنج استان در سراسر ایران کشیده شد. خطوط لوله گاز را از جنوب به شهرهای بزرگی مانند تهران و اصفهان می‌رساند. یکی از خطوط لوله تا آستارا، شهری در نزدیکی مرز شمالی ایران با آذربایجان می‌رود.روز جمعه، اوجی، وزیر نفت، گفت که تیم‌های فنی این وزارت به طور شبانه‌روزی برای ترمیم خسارت کار کرده‌اند و این اختلال به حداقل رسیده است و خدمات دوباره برقرار شده است. این رسانه در اظهاراتی مضحک و خنده‌آور عنوان داشت: اما ارزیابی وی در تضاد با اظهارات فرمانداران محلی و مقامات شرکت ملی گاز ایران بود که از قطع گسترده خدمات در پنج استان و تعطیلی ساختمان‌های دولتی خبر داده بودند. کارشناسان انرژی ایران در شبکه‌های اجتماعی به مردم مناطق آسیب‌دیده که در برخی نقاط دمای هوا به زیر صفر رسیده است توصیه کردند لباس گرم بپوشند.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

عصبانیت متهم فروش اطلاعات به بیگانگان از شرکت اصلاح‌طلبان در انتخابات

روزنامه اعتماد با بیان این که بیانیه ۱۱۰نفری اصلاح‌طلبان نه واقع‌گرایانه است و نه آرمانگرایانه، نوشت: آیا این تصمیم به نفع جریان اصلاحات است یا نه؟ بیانیه، ایرادات شکلی و ماهوی دارد.

این روزنامه از قول علی ربیعی نوشت که بیانیه مذکور نشانه اختلاف میان اصلاح‌طلبان نیست. با این وجود، ضمن گفت‌وگو با عباس عبدی (متهم پرونده فروش اطلاعات به بیگانگان) و تخطئه بیانیه، بر جدی بودن اختلاف صحه گذاشت.

عبدی گفته است: این نه تنها حق هر کسی است که مواضع خود را اعلام کند، بلکه ضرورت هم هست. حتی جدا شدن از جریان اصلاحات را نیز منفی نمی‌دانم، هر چند این دوستان معتقدند که چنین انگیزه‌ای را نداشتند، ولی غیرطبیعی نیست که از این اقدام چنین برداشتی صورت گرفته باشد و اگر چنین قصدی نداشتند و این بیانه را دادند، این اولین انتقاد به آن است، زیرا این کارشان قابل فهم نیست، چون اصلاح‌طلبان منعی برای شرکت در انتخابات نگذاشته بودند گرچه دعوتی هم نکرده بودند. ولی دعوت به مشارکت به معنای عام در برنامه آنان نبود. هنگامی که بیانیه‌ای کلی با عنوان روزنه‌گشایی داده می‌شود، ماجرا فرق می‌کند. این فقط یک شعبده‌بازی تحلیلی است.

نکته دیگر این که این جمع از افراد گوناگونی تشکیل شده است. برخی از افراد شهره آنان را همه می‌شناسیم. چند نفر سیاسی به نسبت حرفه‌ای هستند و این امضای آنان فارغ از ملاحظات سیاسی حزبی آنان برای من قابل فهم بود، ولی برخی دیگر چهره سیاسی نیستند و اغلب به صفت فکری و اندیشه‌ای شناخته می‌شوند؛ مثل دکتر فاضلی و دکتر فراستخواه، حضورشان معنای متفاوتی داشت. فارغ از کیفیت تحلیلی و اعتبار متن که در جای خود ناامیدکننده است، این دوستان گرانقدر، حضورشان موجب تعجب شد.

امضای چنین بیانیه‌ای به معنای ایفای نقش فعال سیاسی است که به چنین صفتی شناخته. متنی شایسته امضای آنان نبود و آنان را از کارکرد واقعی خود دور کرد. آیا این دوستان فکر نکردند که چرا از میان این همه اهل فکر و نظر فقط نام چند صاحب تحلیل محدود در زیر این بیانیه است؟

مشکلات بیانیه گوناگون است و از آنجا آغاز می‌شود که مقدمات معمولا درستی را بیان می‌کند که چندان محل ابهام و حتی ایراد نیست، ولی معلوم نمی‌شود، چگونه از آنها نتیجه‌ای را می‌گیرد که اتفاقا مخالفان نیز نتیجه خود را از این مقدمات می‌گیرند... می‌گویند: «... ایرانیان دعوت می‌کنیم با فراروی از «آرمان‌گرایی بدون واقع‌نگری» و «واقع‌گرایی بی‌آرمان»، با نگاهی «بلندمدت‌گرا» روزنه‌گشایی کنند.» خب منتقدان می‌گویند خودتان مصداق مقوله دوم هستید. حتی بالاتر اینکه واقع‌گرا هم نیستید. نه واقع‌گرا هستید و نه دارای آرمان.

البته این بیانیه یک نتیجه ناخواسته هم دارد که آقایان استصوابی را در سیاست‌های خود ثابت‌قدم می‌کند. چون به این حقیقت می‌رسند که هر کاری کنند، عده‌ای هستند که لبیک بگویند. خب این اعتراضی بود که به آقای خاتمی داشتیم. من از همان سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، مخالف تقابل با حکومت بودم، خروج از حاکمیت نیز معنای روشنی از این عدم تقابل بود... ولی هنگامی که حکومت نمی‌خواهد دیگران شرکت کنند، دیگر جایی برای بحث نمی‌ماند.

حکومت و اصولگرایان از این اقدام استقبال کردند چون مستمسکی برای شکاف انداختن میان اصلاح‌طلبان به دست آورده‌اند و همچنین گمان دارند ممکن است اندکی هم به آرا، اضافه و شور و شوقی به انتخابات داده شود. از سوی دیگر این اقدام پیام مهمی دارد، اینکه ما هر کاری کنیم عده‌ای هستند که ولو مطلقا هم شانس برای‌شان نگذاریم، تمکین و استقبال می‌کنند.

برخی از این دوستان محترم وقتی پایش بیفتد در تندروی بی‌پروا عمل می‌کنند از جمله در همان روزهای اول اعتراضات ۱۴۰۱ در میان تعجب همگان هشتگ‌های آنچنانی می‌زدند و از اولین بازداشت‌شدگان بودند و روانه زندان شدند حالا چگونه دیگران را به میانه‌روی دعوت می‌کنند؟ درباره دعوت به میانه‌روی هم باید گفت سوابق برخی دوستان در ۸۸ و حتی سال گذشته با این توصیه سازگار نیست، به علاوه بنده میانه‌روی کمتر را هم می‌پذیرم ولی این رفتار اصلا در این مقولات جا نمی‌گیرد که کسی بخواهد آن را به صفت میانه‌روی متصف کند.

تسلیحات ارزان اما پیشرفته ایران معادله امنیتی خاورمیانه را تغییر می‌دهد

روزنامه وال‌استریت ژورنال در گزارشی خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان تسلیحات ارزان تبدیل شده است

این روزنامه، در گزارشی درباره ظهور حکومت جمهوری اسلامی به عنوان یکی از تامین‌کنندگان جهانی تسلیحات نوشت: مشتریان تسلیحات کم‌هزینه و با فناوری پیشرفته حکومت ایران، تهدیدی علیه منافع آمریکا و شرکای آن در خاورمیانه، اوکراین، و فراتر از آن محسوب می‌شوند. دگرگونی صنعت تسلیحات ایران که با فروش هزاران پهپاد در سال ۲۰۲۲ به روسیه شتاب گرفت و صحنه نبرد در اوکراین را تغییر داد، به جمهوری اسلامی کمک کرد که حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی در خاورمیانه را، که حملات‌شان همزمان با جنگ اسرائیل با حماس در غزه تشدید شده است، افزایش دهد.

مقامات آمریکایی می‌گویند یکی از مهم‌ترین صادرات تسلیحات ایران، پهپاد انتحاری شاهد است که از آن برای کشتن سه نظامی آمریکایی در اردن در حمله یک گروه شبه‌نظامی عراقی در هشتم بهمن استفاده شد.

آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا در تحقیقات خود که در ماه جاری میلادی منتشر شد، اعلام کرد که مدل‌هایی از همان خانواده پهپادهایی که سربازان آمریکایی را در اردن کشتند، در بسیاری از جبهه‌ها، از جمله توسط حوثی‌های یمن، شبه‌نظامیان عراقی که اسرائیل را هدف قرار می‌دهند و توسط روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده شده است.

مهدی فرحی، معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، آبان امسال گفت که تهران در سال ۱۴۰۱ حدود یک‌میلیارد دلار سلاح فروخته که این رقم سه‌برابر سال قبل از آن است.

براساس گزارش مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، محاسبه‌ای که آمار تسلیحات قاچاق در آن لحاظ نشده نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۲ با ۱۲۳میلیون دلار صادرات به شانزدهمین فروشنده بزرگ تسلیحات در جهان تبدیل شد. این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۷، زمانی که ایران با ۲۰میلیون دلار، سی‌وسومین صادرکننده بزرگ تسلیحات جهان بود، جهشی بزرگ محسوب می‌شد.

وال‌استریت ژورنال قبلا به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داده بود که روسیه در حال برنامه‌ریزی برای خرید موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از جمهوری اسلامی است و حکومت ایران نیز به روسیه مهمات ارسال کرده است.

وال‌استریت ژورنال در ادامه نوشت: محدودیت‌های تجارت تسلیحات ایران سال گذشته توسط سازمان ملل لغو شد، اما ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا این محدودیت‌ها را اعمال می‌کنند.

پهپادهای انتحاری ایران در سال ۲۰۱۹ وقتی که عربستان سعودی گفت: ایران یا یکی از گروه‌های شبه‌نظامی آن در پشت حمله موشکی و پهپادی پیچیده به تاسیسات نفتی عربستان سعودی بوده‌اند، شهرت بین‌المللی پیدا کرد، اتهامی که ایران آن را رد کرد. مقامات دفاعی در ایالات‌متحده، اروپا و اسرائیل تا سال ۲۰۲۱ هشدار می‌دادند که توانایی تهران در ساخت و استقرار پهپادها به سرعت در حال تغییر معادله امنیتی در خاورمیانه است.

به گفته مشاوران امنیتی یک دولت اروپایی، تولید پهپاد پس از فروش بیش از ۲هزار فروند پهپاد شاهد به روسیه در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت. به گفته آنها با قیمت حدود ۲۰هزار دلار برای هر کدام، حداقل ۴۰میلیون دلار نصیب حکومت ایران شد. پیش از این مسکو و تهران برای ساخت کارخانه تولید حدود شش‌هزار پهپاد در روسیه به عنوان بخشی از توافق تسلیحاتی یک‌میلیارد دلاری بین دو کشور توافق کرده بودند. در وضعیت تحریم‌ها، رشد صنایع تسلیحاتی به منبع درآمدی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

نگرانی امارات از خشم ایران و گروه‌های مقاومت ضدآمریکایی

نشریه آمریکایی پولیتیکو می‌گوید امارات، ارتش آمریکا را در استفاده از پایگاه نظامی خود برای حملات علیه گروه‌های نزدیک به ایران محدود کرده است.

پولیتیکو در گزارشی نوشت: «برخی کشورهای عربی از جمله امارات به طور فزاینده‌ای آمریکا را از استفاده از امکانات نظامی در خاک خود برای انجام حملات هوائی تلافی جویانه علیه نیروهای نیابتی ایران محدود می‌کنند».

این خبر براساس اطلاعات یک مقام آمریکایی، یک دستیار کنگره و مقامات غربی است. به گفته مقام آمریکایی، در بحبوحه افزایش تلفات غیرنظامیان در غزه، بسیاری از کشورهای عربی، به ویژه کشورهایی که سعی در بهبود روابط با ایران دارند، به طور فزاینده‌ای آمریکا و شرکای آن را از انجام عملیات نظامی از خاک خود علیه گروه‌های نزدیک به ایران محدود می‌کنند. این شامل محدودیت‌هایی برای حملات تلافی‌جویانه در عراق، سوریه و دریای سرخ است.

در حملات آمریکا و انگلیس علیه حوثی‌های یمن، این دو کشور از پایگاه‌های خود در منطقه یا جنگنده‌های خود مستقر در کشورهای منطقه استفاده نکردند. آمریکا در این حملات از جنگنده‌های مستقر در ناو هواپیمابر، کشتی‌های جنگی و زیردریایی خود استفاده کرد. بریتانیا هم از جنگنده‌های تایفون خود مستقر در قبرس بهره برد.

پولیتیکو افزود هنوز مشخص نیست چند کشور چنین اقداماتی را انجام داده‌اند. یکی از مقامات غربی گفت دلیل انجام این کار به ویژه امارات این است که آنها نمی‌خواهند این‌گونه به نظر برسند که مخالف ایران هستند یا اینکه از نظر افکار عمومی، بیش از حد به غرب و اسرائیل نزدیک شده‌اند. نماینده سفارت امارات در آمریکا از اظهار نظر در مورد این اطلاعات خودداری کرد.

پایگاه هوائی الظفره در امارات، میزبان ده‌ها هواپیمای آمریکایی است. این هواپیماها از جمله جت‌های جنگنده و پهپادهای شناسایی در عملیات‌هایی در سراسر منطقه شرکت می‌کنند. زمانی که ایالات متحده آمریکا حملاتی را به مراکز گروه‌های تحت حمایت ایران در سوریه و عراق انجام داد، یک مقام نظامی اردن مشارکت در این حملات را رد کرد.

یک مقام پنتاگون احتمال بروز تنش بین ابوظبی و واشنگتن در مورد پایگاه‌های نظامی آمریکا را رد کرد و گفت هواپیماهای تهاجمی A-۱۰ و پهپادهای مسلح MQ-۹ اخیراً در خارج از منطقه الظفره امارات برای حمایت از عملیات حفاظت از کشتی‌ها عملیات داشتند. آمریکا از سال‌ها قبل هزاران سرباز را در تأسیسات نظامی امارات متحده عربی، کویت، بحرین، عمان، قطر و سایر نقاط خاورمیانه مستقر دارد.

تلاش پولیتیکو برای تبرئه امارات از نقش داشتن در حملات آمریکا، همزمان با برخی گزارش‌ها در زمینه معاملات نزدیک اقتصادی و سیاسی با رژیم جنایتکار صهیونیست انجام شده است. دولت امارات از پیشقدمان قبح‌شکنی در زمینه عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس بوده و در گذشته در جنایت علیه مردم یمن هم شراکت داشته است.

گفت و شنود

خوشمزه بود؟!

گفت: یکی از شبکه‌های تلویزیونی سلطنت‌طلب بعد از راهپیمایی ۲۲ بهمن و حضور میلیونی مردم در دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «همه آن کسانی که می‌گفتند جمهوری اسلامی رفتنی است مردند و هنوز این حکومت پابرجاست»!

گفتم: تا کور شود هر آنکه نتواند دید!

گفت: این شبکه سلطنت‌طلب و سایر گروه‌های اپوزیسیون و مقامات آمریکایی که از حمایت جانانه مردم از انقلاب و نظام عصبانی بودند از فروپاشی نظام خبر می‌دادند و به مردم ایران توصیه می‌کردند که باید «واقع‌بین»! باشند و ادعا می‌کردند که اهمیت جمهوری اسلامی در گذر سال‌ها کمرنگ شده است!

گفتم: اولاً؛ ما واقع‌بین هستیم که نظام اسلامی را پایدار می‌دانیم یا آنها که ۴۵ سال است دَم گرفته و ادعا می‌کردند نظام شش ماه دیگر یا یک سال دیگر یا... فرو می‌پاشد!؟! و ثانیاً؛ اگر جمهوری اسلامی در گذر ایام کمرنگ‌تر شده است! چرا دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های آمریکا و متحدانش علیه ایران اسلامی روز به روز شتاب بیشتری می‌گیرد؟!

گفت: حیوونکی‌ها (بلانسبت همه حیوانات)، مثل شتری می‌مانند که از گرسنگی خواب پنبه‌دانه می‌بینند!

گفتم: ایول! یارو می‌گفت؛ خواب دیدم که دارم درازترین ماکارونی دنیا را می‌خورم! از خواب که پریدم، دیدم نصف بیشتر کش شلوارم را خورده‌ام!

نکته

آقای ظریف تا دیر نشده پوزش بخواهید!

**۱- دیروز آقای ظریف، وزیر سابق امور خارجه در یک نشست دانشجویی که با عنوان «نظم جدید در دنیا» برگزار شده بود، گفت: «موشک مهم است به ابالفضل مهم است، به خدا مهم است. اما مردم مهم‌تر هستند»! این بخش از سخنان ایشان به‌گونه‌ای است که انگار تلاش متخصصان نظامی ایران برای ساخت موشک، به معنای کم‌اهمیت! دانستن مردم است! و در این میان، ساخت و تولید موشک، بااهمیت‌تر از مردم تلقی و تصور شده است! باید از ایشان پرسید؛ آقای ظریف چه کسی گفته است موشک مهم‌تر از مردم است که جنابعالی احساس تکلیف کرده‌اید این تلقی را به زعم خود اصلاح کنید؟! مگر «موشک» و «مردم» در دو نقطه مقابل و متضاد با یکدیگر قرار دارند که توجه به یکی از آن دو به معنای کم‌اهمیت دانستن دیگری باشد؟! موشک برای حفظ جان مردم است. مگر برای شما، جان و مال و نوامیس مردم اهمیتی